



زهرا افروتین

کارشناس ارشد حقوق بین الملل

در هفته‌های گذشته مصوبه مولدسازی سران قوا در رسانه‌ها تبدیل به یک مساله چالشی و سوال برانگیز شد. بسیاری از نمایندگان مجلس و چهره‌های سیاسی و اقتصادی نقدهایی کارشناسی به این مساله داشتند. در این یادداشت قصد دارم برخی از وجوه حقوقی این تصمیم و ایرادات آن را بررسی کنم. در شروع می‌توانم به این نکته اشاره کرد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نهادی تحت عنوان رؤسای قوای سه‌گانه وجود خارجی ندارد که بتواند تصمیمی بگیرد و حتی مواردی را تصویب کند. اگر بنا به انجام معامله اموال و دارایی‌ها باشد؛ زمانی می‌توان گفت معامله واقع شده که خریدار صاحب ملک شود ولی طبق ماده ۲۶ قانون مدنی اموال دولت از منقوله و غیرمنقوله به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی تحت تصرف است؛ در این ماده نه تنها حرفی از مالکیت نبوده بلکه در ادامه به صراحت بیان شده این‌ها قابل تملک خصوصی نیستند؛ پس این اموال نمی‌توانند به مالکیت درآیند یعنی اگر ملکی از دولت توسط فردی خریداری شود مالکیتی نصیب نخواهد شد و معامله‌ای بدون انتقال مال منقول یا غیرمنقول صورت گرفته است. ولی از مصوبه برداشت می‌شود که هیأت مولدسازی می‌تواند هر نوع اقدامی که بخواهد؛ در مورد قیمت، نحوه پرداخت و نوع واگذاری اموال مورد بحث، کند؛ این در حالی است که تصمیم‌گیری‌شان همانطور که گفته شد در مورد اموال شخصی نبوده و بخشی از دارایی و اموال ملی مورد بحث‌شان است. مصوبه تصویب شده که توسط شورای عالی هماهنگی سران قوا در خصوص مولدسازی اموال دولتی است نظام قانونی - حقوقی را با سوالاتی مواجه می‌کند. مرجعی که تصویب این مصوبه را انجام داده همان شورای عالی هماهنگی است که طبق قوانین حاکم در کشور، صلاحیت قانونی برای تصویب طرحی را ندارد؛ هماهنگونه هم که از عنوانش پیداست شورای این جهت انجام هماهنگی و مشورت بوده است. اینجا تصویب و اجرا توسط خود شورا و حتی حل اختلاف در صورت بروز، به واسطه کمیته حل اختلاف که آن هم همان اعضای شورا هستند؛ انجام می‌شود در حالی که نهاد تصویب‌کننده، اجرا کننده و حل‌کننده اختلافات باید از هم تفکیک شده باشند زیرا شرح وظایف و صلاحیت‌هایشان متفاوت است. همانطور که مجلس تصویب‌کننده قانون و قوه مجریه و قوه قضائیه اجرا کننده قوانین تصویب شده از سمت مجلس شورای اسلامی هستند. بند ۱۴ نقطه چالشی مصوبه است که افراد دارای مصونیت قضایی معرفی می‌کنند. این یعنی نه تنها فقط اعضای شورا، بلکه نمایندگان هم که توسط هیأت جهت اجرای قوانین تعیین شده‌اند و مورد خطاب مصوبه هستند نیز از پیگرد قضایی و تعقیب مصون هستند. در واقع اگر رانت و یا تخلفی صورت گیرد امکان پیگیری وجود ندارد که این هم شامل تمام اسامان، وزارتخانه‌ها و زیرمجموعه‌هایشان می‌شود. مصونیت قضایی بندی عجیبی است چرا که به افراد این اطمینان را می‌دهد که در هیچ دوره‌ای تحت تعقیب و پیگیری نخواهند بود؛ زیرا طبق قانون اصل، قوانین زمان وقوع جرم است یعنی فعلی که زمان مصونیت انجام شده هر چه باشد هم، جرم تمام می‌شود. این بند در تعارض با اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی است زیرا نظام حقوقی به هیچ وجه تعطیل نمی‌گردد مگر در شرایط خاص و ضروری مانند جنگ و اضطرار که دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید که در ادامه این اصل قید شده مدت آن نمی‌تواند بیش از ۳۰ روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند؛ به این معنی که برای بحران جنگ، دولت با اجازه مجلس می‌تواند برای مدتی محدود تعقیب موارد قانونی را اجرا ننماید. بخشی دیگر از مصوبه که جای تأمل دارد، بند ۱۷ آن است. اینجا عنوان شده که تمام قوانین و مقرراتی که با مصوبه در مغایرت هستند برای مدت دو سال موقوف‌الاجرا خواهند بود و تشخیص این مغایرت به عهده هیأت شورای عالی می‌باشد؛ یعنی تمامی قوانین مربوط به مولدسازی اموال دولتی به حالت تعلیق درمی‌آید. مصوبه مولدسازی شامل بندهای متعددی می‌شود و برای افراد مختلف شرایط ویژه‌ای را در نظر گرفته که در صورت عبور از قانون، به جهت پیگیری و تعقیب پرباشان جای‌نگرانی باقی نگذاشته است؛ این موارد حاکی از آن است که این مصوبه تاقته جدا یافته به حساب می‌آید.

محمد مهاجری:

### جای رئیسی بودم از ظرفی می‌خواستم به دولت بر گردم

یک فعال سیاسی اصولگرا گفت: اگر جای آقای رئیسی بودم همین الان به در خانه وزرای قوی و مسئولان موفق اقتصادی دولت‌های گذشته همچون آقای طرفی، همتی، زنگنه، آذری جهرمی، ابورمحمدی، بیطرف و حتی محمدعلی نجفی می‌رفتم از آنها می‌خواستم به سر کارهای خودشان برگردند. وی ادامه داد: آقای رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری راجع به موضوعات سیاسی، سیاست خارجی، اقتصاد و فضای مجازی وعده‌هایی داد که تاکنون محقق نشده‌اند این یعنی ارزش‌های اجتماعی جامعه در خطر هستند چون مردم اگر از افراد غیرروحانی وعده‌هایی بشنوند که به آن عمل نشود آن را به پای دین نمی‌گذارند اما اگر این حرف‌ها را از یک شخصیت روحانی بشنوند، قطعاً در باورها و اعتقادهای‌شان اثر منفی می‌گذارد. این فعال مطبوعاتی تأکید کرد: الان دوستان اصولگرایی را می‌شناسم که به شدت منتقد دولت هستند مثال روحانی نقدهایی است که آقای قالیباف این روزها از تریبون‌های رسمی درباره دولت بیان می‌کند. قطعاً او خیلی بیش از این حرف‌ها به دولت نقد دارد.

علی صوفی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

## شرایط برای فعالیت

## اصلاح طلبان فراهم نیست

رویکرد قالیباف درباره تحول در مدیریت کشور مثبت است

قالیباف به دنبال اصلاحات از درون حاکمیت است

اصلاحات نباید شکل فرمایشی به خود بگیرد

اصلاحات رد شده اما روش اصلاحی همچنان پابرجاست

اگر امروز مشکلات را حل نکنیم فردا دوباره با آن مواجه می‌شویم

بسیاری از مشکلات لا ینحل باقی مانده است



«آرمان ملی» - احسان انصاری: «نقطه آغاز اصلاحات مورد نظر آقای قالیباف حاکمیت است. آقای قالیباف در حاکمیت حضور دارد و به دنبال اصلاحات از درون حاکمیت است. البته رویکردی که آقای قالیباف در این زمینه دنبال می‌کند مثبت است. با این وجود این رویکرد نواقصی نیز دارد. به هر حال آقای قالیباف و اصولگرایی که به دنبال تحول در کشور هستند متوجه مشکل در مدیریت کشور شده‌اند. واقعیت این است که نظام مدیریتی با ساختار موجود نمی‌تواند مشکلات را حل کند. این در حالی است که این ساختارها باید اصلاح شود. اصلاح طلبان به دنبال این هستند که اگر قرار است تغییری در کشور رخ بدهد این تغییر باید مبتنی بر خواست و اراده مردم باشد». جملات ذکر شده اظهارات مهندس علی صوفی، وزیر تعاون دولت اصلاحات در گفت و گو با «آرمان ملی» است. صوفی در این گفت و گو ضمن اشاره به ضرورت تغییر و تحول در مدیریت کشور رویکردهای دو جریان اصلاح طلب و اصولگر در این زمینه را مورد واکاوی و نقد قرار داده که در ادامه ماحصل این گفت و گو را می‌خوانید.

در حالی است که سخنان این افراد تاکنون رنگ واقعیت به خود ندیده است و هرگز نخواهد دید. کسانی که در ماه‌های اخیر در کشور نسبت به وضعیت موجود اعتراض داشتند به جز افراد وابسته و اغتشاشگر از درون جامعه و نظام هستند. من این اعتراضات را یک فرصت برای نظام می‌دانم که با این جوانان گفت و گو کند و آنها را جذب کند. کسانی که امروز در مجامع بین‌المللی به دنبال به چالش کشیدن نظام هستند تحلیل دقیقی از شرایط جامعه ایران ندارند که ریشه این اعتراضات چیست. موضوع باید در درون کشور حل شود نه بیرون. کار به جایی رسیده که رئیس جمهور یک کشور با یک خاتم معاند که در شبکه‌های خارجی شو بر گزار می‌کند دیدار می‌کند. از سوی دیگر آمریکا عنوان می‌کند ما منتظریم در داخل ایران تغییر ایجاد شود. در پاسخ باید عنوان کرد ممکن است در داخل ایران تغییر ایجاد شود اما به آمریکا و کشورهای دیگر ارتباط ندارد. در داخل ایران عقلایی هستند که تغییرات احتمالی را مدیریت می‌کنند و جوانان و مردم نیز راضی‌تر خواهند شد.

در حالی که آقای خاتمی و اصلاح طلبان از ضرورت اصلاحات در کشور سخن می‌گویند برخی از اصولگرایان از جمله آقای قالیباف نیز از ضرورت تحول در مدیریت کشور سخن می‌گویند. چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین خواست اصلاح از سوی این دو گروه است؟

نقطه آغاز اصلاحات آقای خاتمی مردم است و نقطه آغاز اصلاحات مورد نظر آقای قالیباف حاکمیت. آقای قالیباف در حاکمیت حضور دارد و به دنبال اصلاحات از درون حاکمیت است. البته رویکردی که آقای قالیباف در این زمینه دنبال می‌کند مثبت است. با این وجود این رویکرد نواقصی دارد به هر حال آقای قالیباف و اصولگرایی که به دنبال تحول در کشور هستند متوجه مشکل موجود در مدیریت کشور شده‌اند. واقعیت این است که ساختارهای مدیریتی به مشکل خورده است. این در حالی است که این ساختارها باید اصلاح شود. اصلاح طلبان به دنبال این هستند که اگر قرار

است تغییری در کشور رخ بدهد این تغییر باید مبتنی بر خواست و اراده مردم باشد. آقای قالیباف ممکن است به دنبال اصلاحات و تغییر در مدیریت کشور باشند اما رویکردی که ایشان دنبال می‌کنند تغییر از بالا است نه پایین. هدف اصلی انقلاب مشروطه و هدف اصلی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ حق حاکمیت مردم بر سر نوشتشان بود. اصلاحات نباید در کشور شکل فرمایشی به خود بگیرد. آقای قالیباف، از ای ریاستی ممکن است به این نتیجه رسیده باشند که در برخی زمینه‌ها به مشکل رسیده‌اند و باید تلاش کرد از این مشکلات عبور کرد. این دیدگاه صحیح است و این اتفاق باید رخ بدهد. روشی که اصولگرایان به دنبال تحول کشور هستند با روش اصلاح طلبان تفاوت می‌کند.

## واکنش نمایندگان به قرار گرفتن نام‌شان در لیست تحریم‌ها

عصباتی باشید و از این عصیانیت بمریدم. هیچ‌گاه مشتکی از خاک ایران عزیز را به همه اروپا نمی‌دهم». احمد نادی عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی و نماینده مردم تهران: «همیشه سرباز کشور بوده‌ام. چه آن زمان که در اروپا دانشجو بودم و چه امروز که توسط هیات اتحادیه اروپا بخاطر پیگیری «طرح اقدام متقابل علیه تروریستی اعلام کردن سپاه» تحریم شدم. برای دفاع از منافع ملی دره‌ای از تردید نخواهم کرد.»

دلیل نباید اجازه داد دستوردهای مردم در انقلاب و هشت سال دفاع مقدس زیر سوال برود. در چنین شرایطی دلسوزان جامعه نمی‌توانند ساکت باشند و آقای خاتمی و اصلاح طلبان نیز چنین وضعیتی دارند. آقای خاتمی عنوان می‌کند اصلاحات که بهترین راه حل برای چالش‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است پذیرفته نشده است. این به معنای اعتراضات چیست. موضوع باید در درون کشور حل شود نه رد کرده و نه اینکه روش اصلاحی به پایان رسیده است.

در چنین شرایطی چگونه می‌توان روش اصلاحی را دنبال کرد؟

آقای خاتمی در بیانیه‌ای که به مناسبت پیروزی انقلاب صادر کردند ۱۵ بند اصلاحی را پیشنهاد کردند که در شرایط کنونی می‌تواند گره گشا باشد. اگر از نظر ایشان و جریان اصلاحات روش اصلاحی نیز به بن بست رسیده بود این پیشنهادات ارائه نمی‌شد. هنگامی که آقای خاتمی ۱۵ بند

اصلاحی را پیشنهاد می‌کند به معنای این است که اصلاحات رد شده اما روش اصلاحی همچنان پابرجاست. حاکمیت باید تلاش کند رویکردهای اصلاحی همچنان در دستور کار قرار داشته باشد. اگر درهای اصلاحات بسته شود روش‌هایی در جامعه شکل می‌گیرد که به سود کشور نیست. در بیانیه آقای خاتمی روندی را که کشور را با مشکلات امروز مواجه کرده، تشریح و از سوی دیگر کسانی که با اشتباهات خود مسبب وضعیت موجود هستند را ذکر می‌کند. چاره مشکلات امروز کشور اصلاحات است. اصلاحات نیز به معنای واگذاری امور مردم به مردم است. از سوی دیگر با انتخاب افراد متخصص‌تر در زمینه‌های مختلف نظارت حضور در مجالس باید شرایط نظارت واقعی بر مدیریت‌ها در کشور به وجود بیاید.

دیدگاه شما درباره کسانی که این روزها در مجامع بین‌المللی خواستار فشار بیشتر به نظام سیاسی هستند چیست؟

اصلاحات در کشور نیز باید توسط افراد متعهد و متخصص صورت بگیرد و نه کسانی که خارج نشین هستند و در چهل و چهار سال گذشته همواره به دنبال براندازی نظام بوده‌اند. این افراد همواره در

سال‌های گذشته وعده داده‌اند که تا شش ماه دیگر نظام تغییر می‌کند و یا تا یک سال دیگر این اتفاق رخ می‌دهد. این

بخشی از بیانیه آقای خاتمی با مضمون به بن بست رسیدن اصلاحات به معنای تجربه شده و متداول آن مورد توجه رسانه‌های اصولگرایی قرار گرفته و آن را به منزله به بن بست رسیدن جریان اصلاحات قلمداد کردند. آیا در واقع چنین است؟

آقای خاتمی در بیانیه اخیر خود به این نکته اشاره کردند که اصلاحات در ایران به صخره سستبر برخورد کرده است. این سخن به معنای این نیست که جریان اصلاحات به بن بست رسیده و اساساً اصلاحات در ایران بی‌فایده است. در شرایط کنونی برای وارد شدن به اصلاحات و هر گونه اصلاحی به شکلی است که امکان پیشرفتی برای اصلاحات مشاهده نمی‌شود. امروز شرایط برای اصلاح طلبان از نظر حضور در قدرت و فعالیت‌های مدنی مساعد نیست و در این زمینه چالش‌هایی مشاهده می‌شود. آقای خاتمی براساس شرایط موجود بیانیه خود را نوشته‌اند. در شرایط کنونی برخی مسئولان با ابزارهایی که در اختیار دارند تلاش می‌کند به صورت سلبی به دغدغه‌ها و دیدگاه‌های منتقدان وضعیت موجود برخورد کنند. برخی مسئولان تنها به دنبال جمع کردن مشکلات هستند و نه حل کردن آنها. به همین دلیل مشکلات و چالش‌ها به صورت حل نشده باقی می‌ماند و در آینده خود را نشان خواهد داد. اعتراضات در گذشته و به شکل‌های مختلف وجود داشته است. با این وجود به جای اینکه مشکلات به صورت ریشه‌ای حل شود تنها به جمع کردن اعتراضات بسنده شده و به همین دلیل اعتراضات تا به امروز ادامه داشته است.

مسئله آن را حل کنند؟ آیا ابزارها و شرایط لازم برای این رویکرد وجود دارد؟

برخی گمان می‌کنند همین که اعتراضات به پایان رسید مسائل نیز به پایان رسیده و کار تمام شده است. این در حالی است که چنین نیست و هنوز بسیاری از چالش‌های موجود در جامعه همچنان لا ینحل باقی مانده است. در چنین شرایطی مشکلات هر زمان که فرصت پیدا کند بروز پیدا می‌کنند. از سوی دیگر دلایل اعتراضات تغییر می‌کند و از حالت سیاسی به حالت اقتصادی تبدیل می‌شود و یا به دلایل اجتماعی و فرهنگی اعتراضاتی به وجود می‌آید.

مسئله آن را حل کنند؟ آیا ابزارها و شرایط لازم برای این رویکرد وجود دارد؟

آقای خاتمی و اصلاح طلبان این روند را برای کشور نامناسب می‌دانند. این وضعیت درباره عقلای جریان اصولگرایی و نخبگان جامعه نیز وجود دارد. ما باید بن‌بیزیم که هر چه مشکلات را حل نشده به حال خود رها کنیم به همان اندازه در آینده با مشکلات بزرگ تری مواجه خواهیم شد. این وضعیت شرایط را برای براندازان و کشورهای متخاصم برای زیر سوال بردن دستوردهای انقلاب و نظام فراهم خواهد کرد. به همین

برخی از نمایندگان که دوشنبه یکم اسفند در لیست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار گرفتند، در صفحات شخصی خود در توییتر به این اقدام واکنش نشان دادند. ولی اسماعیلی، عضو هیات رئیسه کمیسیون اجتماعی و نماینده مردم گرمی در مجلس شورای اسلامی: «هر کل اروپائیان نه حساب بانکی داریم نه یورو و نه دلاری... آب در هاون کوبیدنتان در ۴ ماه گذشته از تحریم‌های جدید هویداست... حضور نام بنده و ۶ نماینده

آقای خاتمی در بیانیه اخیر خود به این نکته اشاره کرد که اصلاحات در ایران به صخره سستبر برخورد کرده است.

سال‌های گذشته وعده داده‌اند که تا شش ماه دیگر نظام تغییر می‌کند و یا تا یک سال دیگر این اتفاق رخ می‌دهد. این

چرا مشارکت ایران با روسیه پابرجا باقی مانده است؟

### محور آسودگی

در ژوئیه ۲۰۲۲ میلادی زمانی که تهاجم روسیه علیه اوکراین در جریان بود و مسکو با کمبود تسلیحات مواجه شد «جیک سالیوان» مشاور امنیت ملی ایالات متحده موضوع مهمی را مطرح کرد: ایران در حال ارائه یا آماده شدن برای ارسال پهپادها به روسیه بود. تهران این اتهام را رد کرد. ایران و روسیه در حال حاضر هر دو از سوی اکثر قدرت‌های بزرگ جهان تحت فشار قرار گرفته‌اند و بنابراین به کمک نیاز دارند. روابط کنونی ایران و روسیه هنوز دقیقاً گرم نیست. این رابطه بیش‌تر شبیه یک شراکت تجاری است تا یک دوستی واقعی. با این وجود، به رغم آن که هنوز فاصله زیادی تا ایجاد اتحاد رسمی بین ایران و روسیه وجود دارد همکاری دو کشور با یکدیگر می‌تواند بسیار موثر باشد. دو کشور در تقسیم بندی جنبه‌های مختلف روابط خود مهارت پیدا کرده‌اند تا اطمینان حاصل کنند که می‌توانند هر زمان که مناسب است با یکدیگر شراکت داشته باشند. روابط دو کشور در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی است. ایران و روسیه هر دو در رقابت‌ها با طرف مقابل چیزهای زیادی برای ارائه دارند. روسیه و ایران به رغم تفاوت‌های ایدئولوژیک هر دو دشمن مشترکی به نام ایالات متحده دارند و همین موضوع به آنان انگیزه‌ای برای همکاری می‌بخشد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روابط ایران و روسیه تعمیق یافت. در سال ۱۹۹۵ میلادی روسیه موافقت کرد که راکتور آب سبک نیروگاه هسته‌ای ایران در بوشهر را تأمین کند. دو دولت همچنین روابط نظامی خود را تقویت کردند و تا سال ۲۰۰۰ میلادی ایران سومین بازار بزرگ تسلیحات روسی بود. روسیه در سال ۲۰۰۷ میلادی وعده داد سامانه دفاع موشکی اس -۳۰۰ را به تهران بفروشد. روابط تجاری، سیاسی، مبادلات در سطح بالا و همکاری‌های امنیتی بین دو کشور به ویژه پس از الحاق کریمه توسط روسیه در سال ۲۰۱۴ میلادی در حال افزایش بودند. با این وجود، دو کشور کامکان شراکت محتاط یکدیگر باقی ماندند. طی ده ماه داشت که روسیه در تحویل تجهیزات نیروگاه بوشهر و تحویل سامانه اس -۳۰۰ این کار را با تعویق انجام داده است. با این حال طی چند سال اخیر دو کشور روابط اقتصادی خود را تعمیق بخشیدند. برای مثال، طی ده ماه نخست سال ۲۰۲۲ میلادی صادرات روسیه به ایران ۲۷ درصد و واردات روسیه از ایران ده درصد افزایش یافته است. دو کشور حذف دلار از تجارت دو جانبه‌شان را آغاز کردند و یادداشت تفاهمی را امضا نمودند مبنی بر آن که روسیه ۴۰ میلیارد دلار، در پروژه‌های گازی ایران سرمایه‌گذاری خواهد کرد که ۶.۵ میلیارد دلار آن پیش‌تر تا ماه نوامبر منعقد شده بود. روابط نظامی ایران و روسیه نیز اهمیت ویژه‌ای یافته است.

### دشمن دشمن من

مشارکت جدید و فشرده‌تر ایران و روسیه هنوز محصول شرایط است. بسیار بعید به نظر می‌رسد که اگر جنگ اوکراین رخ نداده بود مسکو تمایلی برای نزدیک شدن به ایران به ویژه از نظر تسلیحاتی از خود نشان می‌داد. در هر صورت بعید به نظر می‌رسد که شرایط مشارکت دو کشور از بین برود. جنگ روسیه در اوکراین قرار است ادامه یابد. همچنین، دو کشور چیزهای زیادی برای عرضه به یکدیگر دارند. برای مثال، ایران می‌تواند نحوه دور زدن تحریم‌ها را به روسیه بیان کند. ایران می‌تواند معاملات تسلیحاتی با روسیه داشته باشد. همچنین روسیه از حق رای در شورای امنیت سازمان ملل متحد برخوردار است که می‌تواند برای ایران در صورتی که بار دیگر بحران هسته‌ای ایران در آن شورا مطرح شود کمک کننده باشد. برای ایران چرخش به سوی مسکو آسان نبوده است. تهران مدت‌ها در عرصه رویکرد «نگاه به شرق» از جمله به روسیه تردید داشت و به دنبال شکست توافق هسته‌ای افکار عمومی و جناح‌های سیاسی ایران به دو اردوگاه تقسیم شدند. برخی از ایرانیان از ایجاد روابط با روسیه حمایت کردند در حالی که برخی دیگر به مخالفت با آن ادامه دادند. با این وجود، اکنون اصولگرایان که عموماً خواهان بهبود روابط با مسکو هستند در راس کار قرار دارند. البته این بدان معنا نیست که مشارکت ایران و روسیه روان خواهد بود. هنوز اختلافات زیادی وجود دارد که روابط دو کشور را پیچیده می‌سازد. روسیه باید روابط خود با ایران و روابط گرم با اش با اسرائیل و همچنین روابط خود را با رقبای عرب حوزه خلیج فارس تهران متوازن و متعادل سازد. همچنین، ایران و روسیه در زمینه‌هایی مانند بخش انرژی به رقابت ادامه خواهند داد. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، روسیه تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های غرب بر روسیه مسکو نفت خود را به چین انتقال داد و فروش نفت ایران کاهش یافت. تهران مجبور شد در واکنش به این وضعیت قیمت فروش نفت خود را کاهش دهد. با این وجود، دو کشور سابقه عملکرد آلوده در روابط خود را دارند و در جایی که می‌توانند با یکدیگر همکاری می‌کنند در حالی که زمینه‌های بروز اختلاف را نادیده می‌گیرند، روسیه و ایران می‌دانند چگونه به روش‌های متعددی از یکدیگر فاصله بگیرند. برای مثال، پس از تشدید تحریم‌های